

روایت یک قتل به روش دوستی خاله خرسه#۴۷؛ دزدی PS۴ با کلت!

سعید قصد تربیت و محافظت از بهاره را داشته اما وی را ناخواسته به قتل رساند.

به گزارش سایت خبری پرسون، داستانش را که تعریف کرد یاد ضرب‌المثل دوستی خاله خرسه افتادم، او می‌خواست از بچه محافظت کند اما ناخواسته دختر بچه را به قتل رساند. سعید ۲۶ ساله است و برایم از روز قتل می‌گوید: «از سرکار به خانه برگشتم، خیلی خسته بودم و اعصابم خورد بود، چند بار به او اخطار داده بودم که بیرون از خانه نرود چراکه کوچه برای یک دختر ۶ ساله خطرناک است، اما آن روز تا به خانه رسیدم دیدم که در کوچه مشغول بازی است، اعصابم بهم ریخت و او را با سیخ کباب کتک زدم»

برایم جای سوال بود که چرا آن بچه را دخترم خطاب نمی‌کند تا اینکه گفت: «بهاره دختر خودم نبود، بچه دوست دخترم بود، خانواده پدری اش او را اصلاً قبول نداشتند و می‌گفتند نوه ما نیست اما نمی‌دانم چرا می‌خواستند او را از ما بگیرند برای همین هم من روی کوچه رفتن بهاره حساس بودم»

خواستم تا از ادامه روز قتل برایم بگویند، گرمای هوا کلافه اش کرده است و سرش را مدام با دو دست می‌خواراند، چند نفس عمیق کشید و به انتهای میدان صبحگاه پلیس آگاهی خیره شد و گفت: «اول بگویم که وظیفه نگهداری از معصومه و بهاره با من بود، آنها با من زندگی می‌کردند، آن روز هم بعد از اینکه با سیخ بهاره را کتک زدم او از حال رفت، فوراً بچه را به درمانگاه بردم و در آنجا کمی او را معاینه کردند و گفت باید به بیمارستان بروید، یک روزی هم در بیمارستان بستری بود اما بعدش فوت کرد.»

سعید که شغلش ساختن کابین آسانسور است از کاری که انجام داده پشیمان است و می‌گوید: «تقریباً هر شب خواب بهاره را می‌بینم، هرچند معصومه به من گفته است که رضایت می‌دهد چون مطمئن است که من عمداً نمی‌خواستم دخترش بکشم اما عذاب وجدان رهايم نمی‌کند.»

سرقت موتور برای تأمین خرج مواد مخدر

در ابتدا که وارد حیاط پلیس آگاهی تهران بزرگ شدم موتورهایی که به ردیف کنار خودروها چیده شده بودند نظرم را جلب کردند، به سراغ متهم و افسر مربوطه رفتم، متهم زیر سایه‌ای که از افسر و موتورها به زمین افتاده بود از شر تابش مستقیم آفتاب پناه برده بود و چشمانش را بسته بود.

افسر پرونده اش می‌گوید «تمام سرقت‌ها را خودش به تنهایی انجام داده است، مالخر داشته اما همدست نه» از متهم می‌پرسم تنهایی به دزدی می‌رفتی، آن مستقیماً در خانه مردم نمی‌ترسیدی کسی تو را ببیند؟

از حال و روزش معلوم است که معتاد است، سرش رو بالا می‌برد و می‌گوید: «نه، ترسی نداشتم، من به پارکینگ‌ها می‌رفتم و قفل و زنجیر موتورها را می‌شکستم و بعد هم در کسری از ثانیه موتورها را می‌دزدیدم، البته یک چکش هم با خودم می‌بردم که اگر کسی مزاحم شد با آن چکش بزمنش»

فرهاد ۳۰ ساله است و ادعا می‌کند که موتورها را فقط برای خرج مواد مخدرش دزدیده است، از او می‌پرسم مگر خرج موادم چقدر است که دست به سرقت موتور زدی و می‌گوید: «روزی ۳-۴ گرم شیشه استفاده می‌کنم که حدوداً ۴۰۰ هزار تومان می‌شود، یک موتور را می‌دزدیم و به مواد فروشم می‌دادم او هم یک هفته مواد مجانی به من می‌داد» این متهم می‌گفت اگر بخواهی دزدی را جدی بگیری به راحتی می‌توانی روزی ۱۰ عدد موتور هم سرقت کنی!

لوازم جانبی جعلی

در اخبار خوانده بودم که خلاف کاران جدیداً رو به بازار قطعات جعلی خودرو آورده اند و فارغ از اینکه جان افراد را به خطر می‌اندازند به دنبال کسب سود و مال اندوزی از این راه هستند، این بار هم در کشفیات پلیس آگاهی تعدادی قطعات خودرو دیدم که گویا جعلی بودند، از سرهنگ جهانگیر تقی پور معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران بزرگ در مورد این قطعات پرسیدم، او گفت: «این پرونده با عنوان جعل لوازم یدکی خودرو در اداره سیزدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ تشکیل شد. ۹ نفر در قالب یک باند اقدام به جعل برچسب‌های کارخانه‌های معروف داخلی می‌کردند و بر روی قطعات تقلبی می‌چسباند.»

اما کارآگاهان پلیس با اشراف اطلاعاتی کاملی که بر بازار لوازم یدکی خودرو دارند موفق شدند این باند را قبل از اینکه حتی یک قطعه را وارد بازار کنند شناسایی و دستگیر کنند.»

خریدن PS۴ با کلت و کلاشینکف

یک دستگاه PS۴ همراه با چند کلت و کلاشینکف روی میز بود، ۳ پسر که شاید سنشان به ۳۰ سال هم نرسد به عنوان متهم در کنار آن میز قرار داشتند،

افسر پرونده می‌گوید «این ۳ نفر به بهانه خرید PS۴ به منازل مراجعه می‌کردند و بعد از اینکه وارد خانه فرد می‌شدند او را با کلت و کلاشینکف تهدید می‌کردند و PS۴ را با خود بدون پرداخت هیچ پولی می‌بردند.»

به سمت سه نفرشان می‌روم، انگشتان لاغر و کشیده‌ای دارند و سعی می‌کنند با دست صورتشان را بپوشانند، نفر وسط می‌گوید: «جوری خبر بنویسید که کسی ما را نشناسند، شغل ما حساس است!» رفتارهایشان برایم جالب است، فکر می‌کنند آدم مهمی هستند! می‌خواهم که شیوه کارشان را توضیح دهن، جسته و گریخته حرف می‌زنند، چند جمله‌ای نفر اول می‌گوید و چند جمله دیگر نفر دوم، نتیجه حرف‌هایشان این است که به دلیل اینکه ماینر غیرقانونی است و PS۴ هم وسیله زندگی نیست فکر می‌کردند که اگر سرقت کنند کسی نمی‌رود شکایت کند اما نمی‌دانستند که کمتر از یک هفته به دام پلیس می‌افتند.

پرونده دومین طرح کاشف در سال ۱۴۰۱ بسته شد

پرونده دومین طرح کاشف در سال ۱۴۰۱ با دستگیری ۳۴۲ نفر از محکومان فراری، قاتلان، سارقان مسلح، متجاوزین به عنف و جاعلان بسته شد. به گفته سردار رحیمی ۷۷ نفر از این افراد، سارقانی بودند که در سرقت‌های مهمه مانند گوشی قاپی و زورگیری شرکت داشتند. ۶۱ نفر در سرقت منزل، ۵۹ نفر در سرقت خودرو و موتورسیکلت و ۸۹ نفر در امر جعل و کلاهبرداری و ۲۹ نفر قاتل و سارق مسلح بودند.

البته در این مرحله از طرح کاشف ۲۷ نفر از محکومان فراری که از زندان به مرخصی آمده بودند و بعد از اتمام مدت مرخصی به زندان برنگشته بودند دستگیر شده اند و ۸ باند سرقت منزل، ۱۹ باند سرقت خودرو، ۷ باند کلاهبرداری، ۵ باند سرقت مسلحانه شناسایی و منهدم شدند.

منبع: مهر